

اظهار نظر کارشناسی درباره:  
«لایحه موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری بین دولت  
جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری گینه بیسائو»

مقدمه

گسترش انعقاد معاهدات سرمایه‌گذاری خارجی بین‌المللی نشان‌دهنده اهمیتی است که جامعه بین‌المللی برای این موضوع قائل است. این معاهدات قواعدی را به وجود می‌آورند که براساس آنها سرمایه‌گذاری اتباع دو دولت طرف معاهده، در کشور دیگر حمایت می‌شود. طبق اطلاعات ارائه شده توسط مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری (اکسید)، اولین معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری، معاهده‌ای است که میان آلمان و پاکستان در سال ۱۹۵۹ منعقد شده است.

اسلاف معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری معاصر، معاهدات مودت، بازرگانی و دریانوردی هستند که از قرن هجدهم منعقد شده‌اند. این معاهدات منحصر به تجارت نبوده و به مسائل نظامی مانند ورود به بنادر و دریانوردی در آب‌های داخلی نیز می‌پرداختند. در واقع این معاهدات زمانی که تجارت عمدتاً به میادله کالا توسط تجار محدود می‌شد، طراحی شدند و سرمایه‌گذاری مستقیم شرکت‌ها را مدنظر نداشتند. از آنجا که در آن زمان تجارت عمدتاً به وسیله افرادی انجام می‌شد که برای اهداف تجاری در دیگر کشورها فعالیت می‌کردند، در این معاهدات بر حمایتی که باید به افراد بیگانه اعطا می‌شد، تأکید می‌کردند. معاهدات مودت تقریباً شامل منشوری از حقوقی بودند که بیگانه می‌توانست در دولت میزبان از آنها بهره‌گیرد. هرچند در این معاهدات مقرراتی خاص سرمایه‌گذاری وجود ندارد، ولی مقررات عمومی آنها که بر سرمایه‌گذاری نیز اعمال می‌شد، امروزه به شکل اصلاح شده در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری یافت می‌شوند.

در دوره پس از استعمار قواعد نظام‌های قراردادی که بر مبنای آنها سرمایه‌گذاری‌های خارجی صورت گرفته بود، مورد اعتراض کشورهای در حال توسعه قرار گرفت. قواعد مربوط به مسئولیت دولت و حداقل معیارهای رفتار با بیگانگان نه تنها از سوی کشورهای آمریکای لاتین، بلکه توسط سایر کشورهای در حال توسعه نیز مورد انتقاد قرار گرفت. قاعده جبران خسارت فوری، کافی و مؤثر در سلب مالکیت از اموال خارجی که به‌طور مستمر کشورهای توسعه‌یافته از آن حمایت می‌کردند، با مفهوم رقیب جبران خسارت مناسب تهدید شد. در این وضعیت دولت‌ها چاره را در این دیدند که با انعقاد معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری اطمینان حاصل کنند که دستکم در روابط فی‌مابین، قواعد مشخصی در مورد سرمایه‌گذاری خارجی وجود دارد. بدین دلیل در سه دهه پایانی قرن بیستم موافقتنامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری به شدت گسترش پیدا کرد و تا حدی که براساس آمار ارائه شده توسط آنکتاد تا سال ۲۰۰۶ حدود ۲۵۰۰ موافقتنامه دوجانبه سرمایه‌گذاری منعقد شده است.<sup>۱</sup>

۱. پیشینه قانونی

جمهوری اسلامی ایران به‌منظور تشویق و حمایت متقابل از سرمایه‌گذاری‌های دوجانبه با تعدادی از کشورها موافقتنامه‌ای منعقد نموده است.<sup>۲</sup> از آنجا که موافقتنامه مشابهی با جمهوری گینه بیسائو وجود ندارد و این امر مانعی در جهت جلب سرمایه یا سرمایه‌گذاری در آن کشور محسوب می‌شود، لایحه فوق تقدیم مجلس شده است.

هرچند آمارهای بین‌المللی مشخص کرده است که موافقتنامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری<sup>۳</sup> در بهترین حالت ۲/۵-۳ درصد در میزان سرمایه‌گذاری خارجی تأثیر داشته است.<sup>۴</sup> از این روی باید در نظر داشت که هدف اصلی از انعقاد این موافقتنامه اعلان سیاست کلی کشور در پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی است.

۱. البته در ادبیات حقوقی و اقتصادی دلایل دیگری نیز در توجیه انعقاد موافقتنامه‌های دوجانبه، آمده است. یکی از مهمترین این دلایل تشویق سرمایه‌گذاری است. بنا به آمار منتشر شده، موافقتنامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری در بهترین حالت باعث رشد حدود دوونیم درصدی در سرمایه‌گذاری شدند که البته رشد سرمایه‌گذاری ناشی از انعقاد این موافقتنامه‌ها به‌طور میانگین بسیار کمتر از این رقم می‌باشد.

۲. تعداد این کشورها بالغ بر ۵۰ کشور است.

3. Bilateral Investment Treaties (BITs)

4. Global Economic Strategy, "South Africa Development of Trade Industry June, 2009.

به‌ویژه در شرایط کنونی که ایجاب می‌کند دولت محترم نسبت به افزایش شرکای تجاری و اقتصادی خود اقدام کند<sup>۱</sup> البته باید در نظر داشت که سیاست‌ها و خط‌مشی انعقاد موافقتنامه‌های دوجانبه به صورت متقابل سنجیده شود بدین معنی که استراتژی‌های انعقاد موافقتنامه دوجانبه سرمایه‌گذاری با کشوری که در ارتباط با ایران سرمایه‌فرست محسوب می‌شود باید کاملاً متفاوت از استراتژی و متن موافقتنامه سرمایه‌گذاری با کشوری باشد که در رابطه مذکور سرمایه‌پذیر می‌شود.

## ۲. اهداف لایحه

۱. ایجاد و حفظ شرایط مساعد برای سرمایه‌گذاری متقابل،
۲. به‌کارگیری منابع اقتصادی و امکان بالقوه طرفین،
۳. بهره‌گیری از فرصت‌های سرمایه‌گذاری در گینه بیسائو.

## ۳. نمای اقتصادی گینه بیسائو از منظر شاخص‌های کلان اقتصادی

جدول زیر نمای کلان اقتصادی دو کشور گینه بیسائو و ایران را از حیث تولید و تجارت به تصویر کشیده است.

جدول نمای کلان اقتصادی دو کشور گینه بیسائو و ایران از حیث تولید و تجارت

عضویت		تجارت سرانه (دلار)	سهم از صادرات بازرگانی کالای جهانی (درصد)	نسبت تجارت به GDP (درصد)	تولید ناخالص داخلی GDP (میلیارد دلار)	کشور
سازمان تجارت جهانی	گات					
عضو ناظر	ندارد	۲۵۶۲	۰/۶۳	۵۷/۹	۳۳۱	ایران
سال ۱۹۹۵	دارد	۲۶۴	۰		۰/۸۳	گینه بیسائو

مأخذ: بانک جهانی ۲۰۱۰.

عمده زندگی مردم کشور گینه بیسائو به کشاورزی و ماهیگیری سنتی وابسته است. درآمد ملی سرانه این کشور حداکثر ۸۰۰ دلار آمریکاست بخش کشاورزی ۶۲ درصد، بخش صنعت ۱۲ درصد و بخش خدمات ۱۲ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشورها تشکیل می‌دهد. حدود ۸۲ درصد از نیروی کار این کشور در بخش کشاورزی و شیلات فعالیت می‌کنند. این کشور توان تولید ۵۵ میلیون کیلووات ساعت انرژی الکتریکی توسط نیروگاه برق آبی خود را دارد. از سوی دیگر دارای ذخایر غنی از فسفات و بوکسیت است سال گذشته حجم کل صادرات این کشور به ۵۴ میلیون دلار رسید که بیشتر شامل فرآورده‌های دریایی بود. سنگال، هند، پرتغال، چین، ایتالیا و اسپانیا مهمترین فروشندگان کالا به گینه بیسائو هستند.

## ۴. ارزیابی لایحه

۱. معاهده در ماده (۱) در تعریف سرمایه‌گذاری، دو رهیافت اتخاذ نموده، ابتدا در صدر ماده به تعریف مفهومی از سرمایه‌گذاری پرداخته و سپس در بندهای «الف» تا «ث» مصادیقی غیرانحصاری را بیان کرده است. در اینجا آنچه به نظر می‌رسد ابهام در تعریف مفهومی از سرمایه‌گذاری است. در عبارت «هر نوع مال یا دارایی به کار گرفته شده» در انتهای صدر بند «۱»، عبارت «به‌کار گرفتن» مبهم است و معلوم نیست ضابطه «به‌کار گرفتن» چیست و چه معنایی دارد.

۲. در بند «۲» ماده (۲) درخصوص تشویق متقابل از سرمایه‌گذاری، الزام طرفین متعاهدین درخصوص فراهم آوردن شرایط لازم برای جلب سرمایه‌گذاری طرف متعاهد دیگر، تنها محدود به قوانین و مقررات داخلی هر کشور متعاهد می‌باشد نه چیزی بیشتر از آن. این درحالی است که ضرورت دارد موافقتنامه دوجانبه برای تأثیرگذاری، چیزی بیشتر از همان مواردی را که در قوانین و مقررات عمومی بیان شده است و شرط اجرای آن نیز اقدام متقابل نمی‌باشد، مقرر دارند.

۳. بند «۲» ماده (۳) درخصوص پذیرش سرمایه‌گذاری بیان می‌دارد که «هریک از طرف‌های متعاهد پس از پذیرش سرمایه‌گذاری، کلیه مجوزهای لازم را که طبق قوانین و مقررات جهت تحقق سرمایه‌گذاری لازم است اعطا خواهد کرد». قسمت دوم این بند هر یک از طرفین متعاهدین را ملزم می‌نماید که با پذیرش سرمایه‌گذاری، کلیه مجوزها را اعطا نماید. این امر بدان معناست که حتی به‌دلیل قانونی نیز نمی‌توان از متقاضی سرمایه‌گذاری درخواست کرد که

۱. دولت‌های غربی به‌زعم خودشان تلاش دارند تا از طریق تحریم‌ها روابط اقتصادی و تجاری ایران را محدود نمایند مکانیسم‌هایی نظیر موافقتنامه‌های دوجانبه می‌تواند این تلاش دول غربی را کم‌اثر و بلااثر نماید.

شرایط قانونی را به اجرا گذارد. این امر امتیاز مطلق به متقاضی سرمایه‌گذاری اعطا می‌نماید که باید کاملاً با تردید به آن نگرست.

۴. ماده (۴) درخصوص اعطای حقوق کامله‌الوداد و همچنین تسری اصل رفتار ملی به کشور متعاقد دیگر بسیار مبهم است و ضرورت دارد مورد بازبینی قرار گیرد. مسئله اول درخصوص این بند به چرایی تسری رفتار ملی به سرمایه‌گذاران خارجی باز می‌گردد، که اصل آن و آثار آن محل تردید است. ثانیاً این ماده از این حیث ابهام دارد که از عبارت رفتار منصفانه استفاده کرده است. این بند می‌گوید که: «... سرمایه‌گذاری‌ها ... از حمایت کامل قانونی و رفتار منصفانه‌ای که از رفتارهای اعمال شده نسبت به سرمایه‌گذاران خود یا سرمایه‌گذاران هر کشور ثالث که در شرایط مشابه نامساعدتر نباشد...» مسئله در اینجا اثر عبارت منصفانه است که چگونه باید تعبیر و تفسیر گردد و آیا باید با انصاف خود عمل اعمال شده نسبت به سرمایه‌گذار خارجی را سنجید یا اینکه باید منصفانه بودن عمل در مقایسه با چگونگی برخورد با سرمایه‌گذاران داخلی و سرمایه‌گذاران دیگر کشورها مورد مقایسه قرار گیرد؟

۵. ماده (۶) بیان می‌دارد که «سرمایه‌گذاری اشخاص حقیقی و حقوقی هر یک از طرف‌های متعاقد توسط طرف متعاقد دیگر ملی، صادره و سلب مالکیت نخواهد شد یا تحت تدابیر مشابه قرار نخواهد گرفت...» در موارد مشابه که در قراردادهای دوجانبه جمهوری اسلامی ایران نیز وجود داشته است، هدف منع کلیه اشکال و شیوه‌های ملی کردن، صادره و سلب مالکیت تحت هر نام و عنوان بوده است و عموماً برای پرداختن به آن از عبارت «سرمایه‌گذاری مورد ملی کردن، سلب و صادره یا مشمول هر تدبیر دیگری که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم دارای اثری مشابه باشد قرار نخواهد گرفت...» در این ماده اساساً بحث هر اقدام دیگر که دارای اثری مشابه باشد مورد توجه قرار نگرفته است و تنها به ذکر «اقدامات مشابه» بسنده شده است. از این حیث ماده (۶) موافقتنامه حاضر بسیار محدودتر است و از این لحاظ موارد سلب مالکیت خزانده یا غیرمستقیم را شامل نخواهد شد.

۶. ماده (۶) موافقتنامه درخصوص معیار پرداخت غرامت از عبارت «پرداخت سریع، مؤثر و کافی غرامت...» صحبت به میان آورده است. درخصوص معیار غرامت برای سال‌های طولانی میان کشورهای سرمایه‌فرست و سرمایه‌پذیر اختلاف نظر وجود داشته است. کشورهای غربی از فرمول «غرامت کامل» حمایت می‌کردند و کشورهای درحال توسعه فرمول «غرامت مناسب» را پیشنهاد می‌نمودند. هرچند امروزه در بیشتر ادبیات حقوقی اسناد و آرای صادره توسط محاکم معیار «غرامت مناسب» مورد نظر قرار گرفته است، اما این اختلاف نظر درحال حاضر نیز به‌طور کامل رفع نشده است و در اسناد مختلف بین‌المللی به تناوب هر یک از دو معیار مورد استفاده قرار می‌گیرد. در موافقتنامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری نیز عموماً کشورها با توجه به اینکه در رابطه دوجانبه سرمایه‌پذیر یا سرمایه‌فرست باشند، معیار «غرامت سریع، مؤثر و کافی» با معیار ارائه شده توسط حقوقدانان غربی تحت عنوان فرمول هال، قرابت بیشتری دارد. هر چند باید با توجه به نوع رابطه میان جمهوری اسلامی ایران و کینه بیسائو درخصوص ماده (۶) این موافقتنامه قضاوت نمود. با این حال نباید از نظر دور داشت که ممکن است گنجاندن چنین بندی در این موافقتنامه سبب شود که این شیوه محاسبه غرامت علیه جمهوری اسلامی ایران نیز مورد استناد قرار گیرد.

۷. ماده (۱۰) به بحث تضمین رعایت تعهدات که در حقوق بین‌الملل به UMBERELLA CLAUSE مشهور است، می‌پردازد. این ماده بیان می‌دارد که هر یک از طرفین رعایت تعهداتی را که در ارتباط با هر سرمایه‌گذاری به‌طور موردی برعهده گرفته شده است، تضمین می‌نماید. این امر از آن حیث که تعهدات دولت‌ها در قبال اشخاص خصوصی را جنبه‌ای بین‌المللی می‌بخشد و نقض آن در حکم نقض تعهدی بین‌المللی محسوب می‌گردد، باید با دقت مورد توجه قرار گیرد. البته خاصیت موافقتنامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری در این است که به‌موجب آن کشورها تعهداتی را در برابر یکدیگر برعهده می‌گیرند که ذینفع آنها به‌طور مستقیم، اشخاص خصوصی هستند، لکن پذیرش تعهدی بین‌المللی، برای رعایت کلیه تعهدات برعهده شده در برابر شخص خصوصی، دامنه تعهدات بین‌المللی ناشی از یک موافقتنامه بین‌المللی را تا حد بسیار زیادی گسترش می‌دهند. البته این امر در صورتی که در رابطه سرمایه‌گذاری دوجانبه موازنه سرمایه‌گذاری به نفع جمهوری اسلامی ایران باشد و این سرمایه‌گذاران ایرانی باشند که در آن کشور به سرمایه‌گذاری می‌پردازند، به نفع جمهوری اسلامی ایران است. البته این وضعیت نیز مشروط به برخورداری کشور کینه بیسائو از نظام اقتصادی دولتی و شبه‌دولتی است که در غیر این صورت، با توجه به ساختار نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، این تعهد بیشتر علیه جمهوری اسلامی ایران به‌کار گرفته می‌شود.

۸. ماده (۱۲) موافقتنامه به مسئله حل‌وفصل اختلاف میان سرمایه‌گذار و یک دولت متعاقد می‌پردازد. اساس ذکر چنین بندی در موافقتنامه‌های سرمایه‌گذاری دوجانبه، به امتیازات حل‌وفصل اختلافات بین اشخاص خصوصی و یک دولت در یک مرجع بین‌المللی باز می‌گردد. درواقع این بند در راستای حمایت کامل از اشخاص خصوصی در برابر دولت‌هاست. عموماً در قرارداد سرمایه‌گذاری میان دولت و اشخاص خصوصی شیوه حل‌وفصل اختلافات معین شده است و عموماً در این موارد مرجع حل‌وفصل اختلافات یا دادگاه‌های داخلی کشور سرمایه‌پذیر و یا داوری‌های تشکیل شده در چارچوب قوانین و مقررات کشور سرمایه‌پذیر می‌باشند. با در نظر گرفتن این وضعیت، موافقتنامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری تلاش می‌نمایند سازوکاری بین‌المللی برای حل‌وفصل اختلافات بین دولت و شخص خصوصی ایجاد نمایند که ماده (۱۲) این

موافقتنامه نیز در همین راستاست که با توجه به رویه بین‌المللی،<sup>۱</sup> به موجب آن طرفین می‌توانند با رعایت مفاد معاهده سرمایه‌گذاری، اختلافات خود را بجا طرح در مرجع حل‌وفصل اختلافات پیش‌بینی شده در قرارداد سرمایه‌گذاری، در مرجع حل‌وفصل پیش‌بینی شده در معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری حل‌وفصل نمایند. بر این اساس ماده (۱۲) موافقتنامه که در کنار ماده (۱۰) (Umbrella Clause)، امکان رجوع سرمایه‌گذار به داوری بین‌المللی را می‌دهد، باید به‌طور دقیق مورد توجه قرار گیرد. البته خود ماده (۱۲) در بند «۲» تلاش نموده است تا حدی از امکان اعمال ماده کم کند. این بند بیان می‌دارد در صورتی که پرونده در دادگاه کشور سرمایه‌پذیر طرح شده باشد، ارجاع آن به داوری تنها با توافق طرفین امکان‌پذیر خواهد بود. بر این اساس کشور سرمایه‌پذیر از این ابتکار برخوردار خواهد بود که قبل از ارجاع اختلاف به داوری، به طرح دعوا در محاکم ملی بپردازد و از ارجاع اختلاف به داوری جلوگیری نماید.

۹. اصل یکصدوسی‌ونهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران درخصوص ارجاع اختلافات راجع به اموال عمومی و دولتی به داوری، در مواردی که طرف خارجی باشد، تصویب مجلس شورای اسلامی را ضروری دانسته است. البته تفسیر شورای محترم نگهبان از این اصل که تنها در مواردی که ارجاع اختلاف به داوری توسط طرف ایرانی مطرح است را مستلزم تصویب مجلس می‌داند، محل بحث است. بازتاب این اصل در موافقتنامه‌های بین‌المللی دولت جمهوری اسلامی ایران، بدین نحو بوده است که در ماده واحده مصوب مجلس شورای اسلامی به رعایت این اصل در زمان ارجاع اختلاف به داوری تصریح می‌شود. این شیوه در عمل مشکلاتی را به همراه دارد، زیرا پس از امضای قرارداد<sup>۲</sup> یا حداقل پاراف متن نهایی آن توسط مقامات دو دولت، افزایش یا کاهش هر قید و شرطی نسبت به آنچه از طریق حذف، اضافه نمودن و یا تغییر متن مواد موافقتنامه، یا از طریق حق شرط یا اعلامیه‌ها و مصوبات دارای اثر حق شرط ازجمله تبصره‌های ذیل ماده واحده مصوب مجلس شورای اسلامی، حداقل از نظر دیپلماتیک مشکلاتی را ایجاد می‌نماید.

برای احتراز از این مشکلات مذاکره‌کنندگان موافقتنامه‌ها، در متن موافقتنامه صریحاً یا تلویحاً رعایت اصل یکصدوسی‌ونهم قانون اساسی را مورد توجه قرار می‌دهند. در این موافقتنامه نیز انتهای بند «۲» ماده (۱۲) که مقرر می‌دارد «... و یا ضمن رعایت قوانین و مقررات مربوط خود به یک هیئت داوری سه نفره ... ارجاع نمایند»<sup>۳</sup> در رعایت اصل یکصدوسی‌ونهم قانون اساسی آمده است.<sup>۴</sup> به نظر می‌رسد چنین بندی علاوه بر رعایت اصل یکصدوسی‌ونهم قانون اساسی، این نتیجه را در پی داشته باشد که مرجع داوری را نیز ملزم به تأیید رعایت قوانین و مقررات مربوطه نماید. بر این اساس در هر دو ماده مربوط به اصل حل‌وفصل اختلافات اصل یکصدوسی‌ونهم قانون اساسی رعایت شده است.

### جمع‌بندی

آنچه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است اینکه بازار سرمایه‌گذاری ایران از وضعیت مطلوب و با عایدی بالایی در مقایسه با سایر بازارها برخوردار است، لذا ایده افزایش شرکای تجاری از طریق موافقتنامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری که موضوع این لایحه است از اهمیت برخوردار است. ولی از لحاظ مقیاس اقتصادی با توجه به تولید ناخالص داخلی کشور گینه بیسائو جذب سرمایه برای آن کشور مفیدتر به نظر می‌رسد و در کل تصویب این لایحه با رفع پیشنهادهای اصلاحی برای کشور منشأ آثار مثبتی خواهد بود و تأیید آن توصیه می‌شود.

انعقاد موافقتنامه‌های همکاری به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی اصولاً مطلوب تلقی می‌گردد. موافقتنامه حاضر با کشور گینه بیسائو را باید با توجه به حجم و جریان سرمایه‌گذاری میان دو کشور سنجید. البته با توجه به نوع اقتصاد این کشور که مبتنی بر کشاورزی است و آمارهای منتشر شده درخصوص وضعیت اقتصادی این کشور، در بادی امر به نظر می‌رسد که این کشور یکی از مقاصد سرمایه‌گذاری اشخاص ایرانی باشد که در این‌صورت انعقاد موافقتنامه‌ای با حمایت هر چه بیشتر از سرمایه‌گذاران خارجی، مطلوب به نظر می‌رسد. اما با این حال باید با دقت محتوای موافقتنامه را ارزیابی نمود و در موارد ابهام، شفاف‌سازی لازم انجام شود. در عین حال مبدل شدن گینه بیسائو در سال‌های اخیر به محل ترانزیت و قاچاقچیان مواد مخدر، نکته‌ای قابل توجه در انعقاد موافقتنامه دوجانبه سرمایه‌گذاری با این کشور است.

1. Christoph Schreuer, "Investment Treaty Arbitration and Jurisdiction over Contract Claims - the Vivendi I Case Considered", in: Todd Weiler(ed), International Law and Arbitration: Leading Cases from the ICSID, NAFTA, Bilateral Treaties and Customary International Law, Cameron May Publishing, 2005, p. 296.

۲. البته به‌موجب اصل یکصدویست‌وپنجم قانون اساسی «امضای عهدنامه‌ها، مقاله‌نامه‌ها، موافقتنامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس‌جمهور یا نماینده قانونی او است». در عمل چه در موافقتنامه‌های دوجانبه و چه در موافقتنامه‌های چندجانبه، امضای بسیاری از آنها پیش از تصویب مجلس شورای اسلامی صورت می‌پذیرد. مسئله هنگامی جالب‌تر می‌شود که در ماده آخر یا در انتهای موافقتنامه‌های دوجانبه (ازجمله در همین موافقتنامه)، تاریخ امضا و مکان امضای موافقتنامه مورد تصریح قرار می‌گیرد. باید در نظر داشت که به‌موجب ماده (۱۸) کنوانسیون وین در حقوق معاهدات، امضای یک موافقتنامه برای کشور امضاکننده این الزام را ایجاد می‌نماید که تا زمانی که تصمیم خود را بر عدم عضویت در آن اعلام نماید، هیچ اقدامی مغایر هدف و موضوع معاهده انجام ندهد.

۳. البته در بند «۱» ماده (۱۳) راجع به حل‌وفصل اختلافات بین طرفین متعاهدین نیز، رعایت قوانین و مقررات خود برای ارجاع اختلافات به داوری تصریح شده است.

۴. البته شورای محترم نگهبان در یک نظر بحث‌برانگیز، به موافقتنامه‌ای ایراد عدم رعایت اصل یکصدوسی‌ونهم قانون اساسی وارد نمود، که در بند مربوط به حل‌وفصل اختلاف صریحاً «با رعایت قوانین و مقررات خود» درج شده بود. نماینده شورای نگهبان اصرار بر اضافه کردن تبصره‌ای به ماده واحده داشت که مضمون آن این چنین بود: «در اجرای ماده ... این موافقتنامه رعایت اصل یکصدوسی‌ونهم قانون اساسی الزامی است».